

سیاست گذاری آموزشی ایران و تنوع فرهنگی و هویت ملی

حسن نوربخش^۱

مدیر گروه زبان‌های شرقی مدرسه عالی زبان و فرهنگ ملل، ایران، قم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

چکیده

پذیرش تنوع فرهنگی احترام به تسنن و فرهنگ همه اقوام کشور و حفظ میراث فرهنگی آنها از جمله خصوصیات فرهنگی و حقوقی در این کشور به شمار می رود. در ایران ماهیت وجودی قانون اساسی بر مبنای رعایت حقوق شهروندی تنظیم شده است و مبنای تدوین سیاست های فرهنگی می باشد. روح حاکم بر قانون اساسی نیز بیانگر پذیرش راهبرد وحدت در کثرت می باشد. یکی از اساسی ترین رسالت های آموزش و پرورش القاء هویت ملی در جریان تربیت است بدون اینکه مانعی برای رشد و بالندگی هویت فردی، گروهی، منطقه ای و قومی بوده باشد. اساسا فرهنگ از طریق آموزش شکل می گیرد و انتقال می یابد دولت ها نیز در فرایند توسعه فرهنگی، توسعه آموزشی را به شدت مدنظر قرار می دهند. مقاله حاضر با بررسی و ویژگی های نظام آموزشی ایران مسئله جایگاه تنوع فرهنگی و هویت ملی را در گفتمان قانون اساسی و سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران بررسی می نماید.

واژگان کلیدی

سیاست گذاری آموزشی، تنوع فرهنگی، هویت ملی، شهروندی، اقوام، همبستگی.

نظام آموزشی و تنوع فرهنگی و هویت ملی

ایران کشور کثیرالقوم و متنوع از فرهنگ هاست. اقلیت های قومی و فرهنگی کشور نیز از حقوق برابر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. پذیرش تنوع فرهنگی، احترام به سنن و فرهنگ همه اقوام کشور و حفظ میراث فرهنگی آنها از جمله خصوصیات فرهنگی و حقوقی در این کشور به شمار می رود. در ایران ماهیت وجودی قانون اساسی بر مبنای رعایت حقوق شهروندی تنظیم شده و مبنای تدوین سیاست های فرهنگی است. روح حاکم بر قانون اساسی نیز بیانگر پذیرش راهبرد وحدت در کثرت فرهنگی است. نتیجه این راهبرد پیدایش انسجام ملی یعنی همدلی ملی و تقویت پایه های هویت ملی است. انسجام ملی در اینجا معطوف به تعلق خاطر آحاد شهروندان از جمله اقلیت های قومی و دیگر خرده فرهنگ ها به فرهنگ و هویت ملی است. این تعلق خاطر به عناصر ملی و ابعاد مختلف هویت ملی از جمله زبان، میراث فرهنگی، تاریخ، دین، حکومت و سرزمین مشترک است. (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۳۱۶)

یکی از اساسی ترین رسالت های آموزش و پرورش القا و تنفیذ هویت ملی در جریان تربیت است، بدون اینکه مانعی برای رشد و بالیدگی هویت فردی و قومی بوده باشد فرد در جریان تربیت در دوره های ابتدایی و راهنمایی، نخستین مفاهیم و انگاره های مربوط به هویت قومی - ملی را می آموزد، رابطه عاطفی - عقلانی «خود» را با دیگران آشنا و نا آشنا درونی میسازد و «من» فردی را به «ما»ی خانوادگی و به تدریج به «ما» قومی - ایلی و بالاخره به «ما»ی ملی - دینی و در نهایت به «ما»ی جهانی اعتلا می بخشد. در این راستا علاوه بر رسانه ها و شناسنامه فردی نظام آموزشی نقش تعیین کننده ای در تکرار و تنفیذ هویت های جمعی و گروهی، قومی، ملی و دینی ایفا می کند. (شیخاوندی، ۱۳۸۲: ۵۴)



تاریخچه سیاستگذاری آموزشی در ایران

آموزش در ایران را می‌توانیم به سه دوره پیش از ظهور اسلام، بعد از ظهور اسلام و دوران معاصر تقسیم نماییم.

الف) آموزش و پرورش دوره باستان

اهداف آموزش و پرورش ایران باستان را می‌توان به صورت ذیل خلاصه نمود:

۱. هدف دینی و اخلاقی: ادیان را می‌توان نخستین پایگاه آموزشی انسانی دانست که در زندگی روزمره نقش آموزش را با قدرت با زندگی فرهنگی مردم می‌آمیخته است و از آن جا که در اوستا فصل مخصوصی به تربیت کودک و معلم و روحانی اختصاص یافته بود و در پند نامه بزرگمهر نیز از اهمیت آموزشی دینی سخن به میان آمده است و هر کس را موظف می‌داند که ۱/۳ شبانه روز را صرف تربیت دینی نماید می‌توان اذعان داشت که در واقع مهم ترین قسمت برنامه آموزشی ایران باستان، پرورش دینی و اخلاقی بوده است.

۲. هدف نیرومندی و بهداشتی برای تندرستی و پاک تنی و راستی و جوان مردی

۳. هدف جنگی و نظامی جهت نگهداری حدود مرزو بوم و حفظ آرامش و دفاع در برابر دشمنان.

۴. هدف اقتصادی به جهت تهیه قوت مردم و رفاه و آسایش آنها و حفظ خانواده و توسعه صنعت

۵. هدف سیاسی به جهت روابط عمومی و امنیت و کشوره‌داری و روابط خارجی (الماسی، ۱۳۷۰: ۷۲)

ب) تاریخ آموزش در دوره بعد از اسلام

سال ۴۵۹ هجری قمری در تاریخ آموزش و پرورش اسلامی، فصل برجسته ای به شمار می‌آید. در این سال نخستین مدرسه از رشته مدرسه‌هایی که خواهی نظام

الملک، وزیر بزرگ سلجوقیان ساخته بود در بغداد گشایش یافت. این مدرسه ها در جهان اسلام پراکنده شدند تا آنجا که شهرها و روستاهای کوچک را همگام با مدرسه های بزرگ در مراکز استانها، دربرگرفت. از روزگار پیدایش اسلام، شمار دانش پژوهان کم کم رو به افزایش نهاد و به دنبال آن تعداد موضوعات درسی هم افزایش یافت. در واقع فعالیت مسلمانان تا اندازه فراوانی در بیشتر این مدارس در راه پرداختن به پژوهش و مطالعات دینی به کار می افتاد تا ادامه آماده سازی زمینه گوناگون رشته های دنیایی. در نتیجه بیشتر این مدارس به نام پایه گذاران مکتب فقه شافعی، حنفی، ملکی و یا حنبلی پیوستگی داشتند. (نیاز آذری، ۱۳۹۰: ۲۱۶)

ج) نظام آموزش و پرورش ایران

مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ آموزش و پرورش در ایران نشان می دهد که نخستین بار در ۹ آبان ۱۲۹۰ ه. ش. مجلس شورای ملی قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد. در سال ۱۲۹۴ ه. ش نظارت دولت بر امر آموزش و پرورش به صورت یک اصل در متمم قانون اساسی مطرح شد و از این تاریخ سازمانهای آموزشی در ایران شکل منظم و متمرکزی به خود گرفتند و نظارت دولت بر موسسات آموزشی جنبه قانونی یافت. نظام آموزش و پرورش ایران شامل کودکستان، دبستان، دبیرستان، موسسات عالی و دانشگاه است. نظام آموزش و پرورش رسمی ایران در واقع از انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن به وجود آمده است. تا قبل از انقلاب مشروطیت آموزش و پرورش در مکتب خانه های سنتی ادامه داشت و معلمان آن معمولاً از طریق مراکز دینی و یاد گیری فقه و اصول و درس قرآن به نعمت سواد دست یافته بودند و آنچه می دانستند با روش سنتی به کودکان می آموختند. معمولاً دولت و سازمانهای دولتی هیچ گونه نظارتی بر آنها نداشتند و مواد درسی که بدون برنامه مدون تدریس می شد، عبارت بود از: خواندن، نوشتن، حساب، خط، قرآن و صرف و نحو عربی. امیر کبیر در سال ۱۲۲۵ خورشیدی دارالفنون را که اولین موسسه آموزشی به سبک نوین در ایران

بود را راه اندازی کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از فروردین ۱۳۶۵ رسماً آغاز به کار کرد و طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را تدوین کرد که در شهریور ۱۳۶۹ تصویب شد. (همان: ۲۲۰)

ویژگیهای نظام آموزشی ایران

عدالت محوری

عدالت تربیتی ناظر به قابلیت دسترسی برابر برای همگان است یعنی باید امکانات و فرصت های تربیتی در حد نصاب ضروری و مطلوب برای همگان قابل دسترسی باشد و تبعیض های قومی، نژادی، جنسی/جنسیتی و طبقاتی در زمینه حق بر تربیت برطرف شود.

نقش آفرینی موثر دولت

بر اساس مبانی بیان شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ارکان تربیت عبارت اند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان های غیر دولتی. دولت اسلامی (به لحاظ رسالت زمینه سازی جهت تحقق حیات طیبه و هدایت فرد و جامعه) در سازمان دهی سیاست ها، برنامه ها و اقدامات نظام تربیت رسمی و عمومی نقش محوری و اساسی برعهده دارد.

تاکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی، ضمن پذیرش کثرت و تنوع

یکی از واقعیتهای جامعه ایران، پذیرش کثرت قومی و فرهنگی، دینی و مذهبی و تنوع زبانی است. (جریان تمایز یافتگی) اما با وجود این کثرت قابل توجه که در کشور ما موضوعی ریشه ای و تاریخی به شمار می آید، همواره نوعی وحدت و همگرایی تاریخی نیز در مجموعه صاحبان خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف ساکن این سرزمین با نام ایران و عناصر مشترک فرهنگی جریان داشته است (جریان وحدت و انسجام).



دین مداری (انطباق همه ابعاد و مولفه ها با نظام معیار اسلامی)

این ویژگی، نکته محوری و اساسی در مفهوم مورد نظر از تربیت رسمی و عمومی است. دین محوری نیز ویژگی ممتاز تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران است.

تکیه بر فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و تناسب با جامعه امروز ایران

براساس این ویژگی، الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی باید نشانه های بارزی از وابستگی به تمدن اسلامی - ایرانی را نیز به همراه داشته باشد. الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی باید با مقتضیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی و حتی اقتصادی کشور ایران تناسب داشته باشد. (سند تحول، ۱۳۹۰)

بنابراین با توجه به ویژگی های اساسی در نظام آموزشی ایران که عبارتند از، دین مداری و عدالت محوری و تاکید بر وحدت ملی ضمن پذیرش کثرت و تنوع ابعاد گسترده مسئولیت دولت در نظام آموزشی مشخص می گردد. لذا دولت می بایست با سیاست گذاری آموزشی متناسب با فرهنگ و تمدن اسلامی ایران در راستای تحقق هویت ملی و حفظ تنوع و تکثر گام بردارد.

تحولات نظام سیاستگذاری آموزشی ایران

۱) نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله اول به طور کلی نظام برنامه ریزی توسعه آموزش شامل مراحل، طراحی برنامه، تلفیق برنامه، اجرای برنامه و نظارت بر اجرای برنامه می باشد. از مجموع آنچه در زمینه تحولات ۵ عنصر اصلی نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در این مرحله برمی آید، معلوم می شود که بارزترین خصوصیت نظام برنامه ریزی آموزش و پرورش در این مرحله، تمرکز تمامی عناصر نظام در یک نهاد بوده است.

۲) نظام سیاست گذاری و برنامه ریزی آموزش و پرورش در مرحله دوم

درست در جهت مخالف خصوصیت اول که تمرکز نسبی تمامی عناصر در یک نهاد بود، خصوصیت این مرحله واگذاری اختیارات به نهادها و مراجع متعدد

بود. انتزاع آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش که در سالهای پایانی مرحله اول به اجرا گذاشته شده بود، در این مرحله با وسعت یافتن استقلال عمل دانشگاه ها و ایجاد سازمانهای آموزشی مستقل از وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم و آموزش عالی، همانند سازمان آموزش کشاورزی، صندوق کارآموزی، موسسات آموزش غیردولتی، بر تعداد دستگاه های متصدی امر آموزش، به نحو چشمگیری افزود و به موازات آن بر تعداد مراجع هماهنگ کننده و سیاستگذار نیز افزوده شد.

۳) نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله سوم
در این قسمت بررسی سیاستگذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش به تفکیک مراحل آن مورد ملاحظه قرار می گیرد.

الف) طراحی برنامه ب) تلفیق برنامه پ) تصویب برنامه: یکی از بارزترین تفاوتهای مرحله سوم برنامه ریزی توسعه با مراحل اول و دوم، برخورد فعال نهاد قانون گذاری با برنامه های توسعه بوده است. ت) اجرای برنامه: اجرای برنامه به لحاظ فعالیتهای جاری چون در قالب بودجه های سالانه صورت می پذیرد، به عهده وزارتخانه ها و سازمانهای آموزشی واگذار شده است. (جهانیان، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۹)
بنابراین در دوره معاصر مجلس به عنوان نمایندگان آحاد ملت می بایست نقش مهمی در سیاست گذاری آموزش خصوصا در راستای تقویت هویت ملی و حفظ تنوع فرهنگی و اقوام ایران داشته باشد.

تغییرات بنیادی سیاستهای آموزشی نظام آموزش و پرورش **سیاست های آموزشی و اهداف همبستگی ملی و تنوع**

بر مبنای اهداف نظام آموزشی ایران که به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده است در مقاطع تحصیلی سه گانه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، در راستای تداوم تکوین هویت و همبستگی ملی سه محور مورد توجه قرار گرفته است.



اهداف فرهنگی - هنری

از آنجا که تامین اهداف فرهنگی مهمترین کارکردهای نظام آموزشی در راستای تحقق برنامه ها و راهکارهای هویتی را تشکیل می دهد لذا بیشترین توجه را در تحکیم پیوندهای هویتی و انسجام و همبستگی ملی در ذیل اهداف فرهنگی و هنری مورد توجه نظام آموزش و پرورش قرار گرفته است. این اهداف شامل موارد زیر است:

- پرورش روحیه حفظ میراث فرهنگی، هنری تاریخی
- شناخت تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و جهان با تاکید بر فرهنگ معاصر

- شناخت تاریخ، فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه ایران
- علاقمندی به زبان و لهجه بومی و محلی

اهداف اجتماعی

- تلاش برای ایجاد همبستگی ملی از دیگر وظایف نظام آموزشی در تحکیم فرایند هویت یابی و پیوندهای فرهنگی به شمار می آید. این اهداف در سه محور مورد توجه نظام آموزشی قرار گرفته است:
- حفظ توسعه یکپارچگی اجتماعی
 - ترجیح مصالح جمعی بر فردی و تبعیت از قانون
 - پرورش روحیه تعاون و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن

اهداف سیاسی

دستیابی به اهداف سیاسی در راستای تقویت هویت و همبستگی ملی از مهم ترین دستاوردهای نظام آموزشی محسوب می شود زیرا اتحاد، همبستگی و تشریک مساعی در تمام مقاطع حیات سیاسی از اهمیت قابل ملاحظه ای در حفاظت از تمامیت ارضی و منافع ملی برخوردار است لذا نظام آموزشی در تدوین و دستیابی به این اهداف موارد ذیل را مورد توجه قرار داده است:

- شناخت نظام سیاسی ایران و احترام به پرچم و سرود ملی
- شناخت مفهوم وحدت و امنیت ملی
- آشنایی با جغرافیای سیاسی ایران و شناخت تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.

- تلاش در حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه به عنوان اصلی مهم در تامین امنیت ملی

بی تردید دستیابی به این اهداف مستلزم برنامه ریزی صحیح و اصولی، بهره گیری از روش های علمی وقانون مند و طرح و اجرای مطلوب فرایندهای آموزشی می باشد. (مقصودی، ۱۳۹۱: ۱۹)

بنابراین هر سه نوع اهداف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در راستای همبستگی ملی و حفظ تنوع فرهنگی و قومی ایران می باشد.

تربیت شهروندی و مدنی در برنامه های آموزشی ایران

سیاستگذاری آموزشی در زمینه تربیت مدنی در ایران با توجه به اینکه بعد از انقلاب اسلامی امکان حاکمیت مردم بر سرنوشت خود فراهم شد و ایجاد تشکل ها و احزاب و صنوف برای پی گیری خواسته های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... به رسمیت شناخته شده است، دانش آموزان و نسل نو باید آگاهی ها، نگرش ها و مهارت هایی را فراگیرند که با استفاده از آن بتوانند نقش یک شهروند فعال و مشارکت جو را ایفا کنند. بدیهی است که افرادی چنین آگاهی هایی را نیاموخته و مهارت های لازم را تجربه نکرده باشند، به آسانی قادر به انجام نقش خود در جامعه نخواهند بود به همین دلیل بعد از انقلاب اسلامی با تلاشهای بسیار، لایحه تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش با مطالعات گسترده و در مقایسه با نظام های آموزش و پرورش کشورهای دیگر، تهیه و پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی لازم الاجرا شد. با آنکه در کلیات نظام آموزش و پرورش و برنامه اول و دوم توسعه، ضمن تاکید بر مشارکت فعال دانش آموزان



استفاده از روش فعال در آموزش و تنظیم برنامه به صورت منعطف و واگذاری مسئولیت به دانش آموزان در زمینه های مختلف اجرایی ، اداری ، آموزشی و تربیتی مدارس در نظر گرفته شد و رشد مسئولیت پذیری و تعاون و آمارگروهی نیز مورد توجه قرار گرفته بود . با تغییر نگرش سیاسی بعد از انقلاب توجه بسیاری به امر تربیت مدنی در سیاستگذاری آموزشی به وجود آمد. توجه به آموزش و پرورش چنین اقتضا نمود که این نهاد توانایی تحقق مفاهیم جامعه مدنی ، قانون گرایی ، مسئولیت پذیری ، آزادی خواهی ، مشارکت پذیری و مشارکت جویی را در خود ارتقا دهد. (کرم زادی، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

بنابراین تربیت شروندی و مدنی در نظام آموزشی ایران متأثر از اصول و مبانی اسلام می باشد که مهمترین ویژگی آن آگاهی ، حق محوری و عدالت محوری می باشد.

دو استراتژی مهم سیاستگذاری آموزشی و تنوع فرهنگی (۱) آموزش و آگاه سازی

آموزش - نخستین محور استراتژیک برای تحقق بخشیدن به تنوع فرهنگی ، آموزش و آگاه سازی است . آموزش به صورت یک فرایند پیوسته وبدون وقفه در سراسر زندگی انسان تداوم دارد ، ای فرایند همان اجتماعی شدن است ، با این وصف در استراتژی مورد تاکید ما باید بر بخشهایی از این فرایند تاکید خاصی داشت.

الف) توانمند سازی از طریق آموزش - پیش از هر چیز باید بر مسئله توانمند سازی مردم به استفاده از فرهنگ تاکید کرد.

در چارچوب مدارس علاوه بر سوادآموزی نیاز به محوریت بخشیدن به آشنا کردن دانش آموزان با امکانت ، منابع و قابلیت های فرهنگی خود آنها و سایر فرهنگ ها نیز وجود دارد. تاکید بر چند گانگی فرهنگ های انسانی و لزوم حمایت

از این تنوع و تشویق دانش آموزان به برخورداری از رویکردی بین فرهنگی اهمیتی ویژه دارد. افزون بر این در کشوری همچون کشور ایران که دارای غنای قومی فوق العاده زیادی است، آموزش فرهنگ های قومی و تاکید بر شکل گیری فرهنگ ملی از این خرده فرهنگ ها اهمیتی بسیار بالا دارد.

(ب) آگاه سازی فرهنگی - دومین برنامه مهم در این زمینه آگاه کردن مردم از امکانات موجود در زمینه فرهنگی است. آگاه سازی نیاز به استراتژی های متفاوت و بسیار حساب شده ای دارد تا بتواند همه اقشار را در همه موقعیت ها در برگیرد و به این لازم برسد. در بسیاری از موارد به وجود آوردن پل های ارتباطی بین کنشگران فرهنگی، برای نمونه بین مدارس، انجمن ها و جمعیت های فرهنگی، رسانه ها و غیره می تواند به این هدف کمک زیادی بکند.

۲) محوریت بخشیدن به تنوع فرهنگی

دومین استراتژی اساسی برای دستیابی به تنوع فرهنگی به کار گرفتن رویکردی با محوریت کامل تنوع فرهنگی است. استراتژی دفاع از تنوع فرهنگی یکی از مهمترین استراتژیها در چارچوب استراتژی عمومی دموکراسی فرهنگی به حساب می آید. در زمینه تاکید بر تنوع فرهنگی لازم است که پیش از هر چیز فرهنگ های در معرض خطر انقراض (اعم از زبان ها، گویش ها، آداب و رسوم، شیوه های زیستی، اشکال هنری، صنایع دستی و ...) در پهنه یک دولت ملی مورد شناسایی قرار گرفته و اقدامات مشخص و موثری برای نجات آنها انجام گیرد. ایجاد حساسیت در همه افراد در نهادهای جامعه نسبت به این موضوع که از جمله باید از خلال برنامه های آموزشی انجام بگیرد می تواند زمینه مناسب را در این راه فراهم کند (فکوهی، ۱۳۸۹: ۹۳-۹۵) کمیسیون بین المللی آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم، پیشنهاد می کند که بر چهار ستون بنیادینی که زیر بنای آموزش و پرورش را تشکیل می دهند، تکیه شود. این چهار ستون عبارتند از: یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای باهم



زیستن به نحوی که از طریق تقویت توان درک دیگران و سپاس از همبستگی با آنان فراهم می شود. اجرای طرح های مشارکتی و فراگیری مقابله با بحران ها و احترام به ارزش های جمعی ، تفاهم دوجانبه و صلح از جمله فعالیت هایی است که این نوع یادگیری را ممکن می سازد. (نیاز آذری، ۱۳۹۰: ۳۰۳)

اهداف سند چشم انداز نظام آموزشی ایران

۱. سواد سیاسی (درک و فهم سیاسی - اندیشه ورزی سیاسی - استقلال ملی - عزت و اقتدار ملی - منافع ملی ، وحدت و تفاهم ملی ، دفاع و مقاومت - مشارکت سیاسی)
 ۲. سواد اجتماعی (قانون گرایی - مسئولیت پذیری - بردباری و تحمل - درک و فهم اجتماعی - مشارکت اجتماعی - وفاق و همدلی - عدالت اجتماعی - پاسداشت ارزشهای اجتماعی - مهارتهای ارتباطی - تحول گرایی اجتماعی)
 ۳. سواد فرهنگی - هنری (درک و فهم فرهنگی - حفظ و توسعه میراث فرهنگی - وحدت و کثرت فرهنگی - زیبا شناسی و ذوق هنری - هویت ملی - ارزشهای فرهنگی - هنری)
 ۴. سواد معنوی (دینی و اخلاقی) : ایمان و باورهای دینی ، تعالی اخلاقی - خودشناسی - کرامت و عزت نفس - تعدیل عواطف)
 ۵. سواد علمی (تفکر علمی - منطقی ، دانش های پایه و عمومی - کنجکاوی و پرسشگری)
 ۶. سواد میان فرهنگی (جهانی) : (درک و فهم میان فرهنگی - تعامل میان فرهنگی - همبستگی اسلامی - مسالمت جویی و تفاهم بین المللی)
- (اوطمیشی، ۱۳۸۵: ۱)



پنج مورد راهکار برای تحقق اهداف نظام آموزشی ایران ارائه گردیده است :

۱) تنظیم سرفصل های آموزشی متناسب با هویت ملی

ساختارهای آموزشی در راستای تحقق اهداف هویتی و انسجام بخشی گروههای مختلف اجتماعی ملزم به تدوین سرفصل های آموزشی همسو با هویت ملی هستند. ارزش گذاری و ترفیع نقش زبان و ادبیات فارسی به عنوان مهم ترین ابزار ارتباطی در عرصه تعاملات اجتماعی، آشنایی با مفاخر بزرگ علمی و شخصیت های تاریخی، آداب و رسوم، سنن، اسطوره ها و نمادهای ملی از جمله مواردی هستند که باید به منظور آگاه ساختن نسل های مختلف مورد توجه برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد.

۲) بهره گیری از روشهای کارآمد به منظور ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ملی

اگر چه پرداختن به مولفه های هویت ملی و آموزش، عاملی مهم در ارتقای حس تعلق به هویت ملی محسوب می شود اما این امر باید با روشهای اصولی و علمی صورت گیرد. توجه به بخشهایی از فرهنگ و پیشینه تاریخی و غفلت و بی توجهی به دیگر بخشها از جمله عواملی است که دستیابی به اهداف همبستگی ملی را با کاستی مواجه خواهد ساخت.

۳) تحقق همبستگی ملی و ثبات ساختارهای فرهنگی

این امری بدیهی است که عدم ثبات و هماهنگی میان ساختارها و بخشهای مختلف فرهنگی نمی توان اهداف هویتی و همبستگی ملی را محقق سازد. ایجاد ارتباط منطقی و سازنده میان ساختارهای فرهنگی و تلاش در جهت حفظ دستاوردهای فرهنگی - هویتی و همکاری نهادهای آموزشی در تدوین و آموزش کتب درسی از مهم ترین کارکردهای نظام آموزش به شمار می آید. (مقصودی،

(۱۳۹۱: ۲۰)



۴) تعامل میان ارکان هویت ملی با تحولات فرهنگی

نظام های آموزشی در تحقق اهداف فرهنگی و آموزشی باید درصدد تدوین برنامه هایی باشند که ضمن بررسی فرهنگ ملی و ایجاد انگیزه و ترغیب در بین نسل ها، رویکرد مثبتی به هویت جهانی داشته باشند. براین اساس شورای عالی آموزش و پرورش در مصوبه سال ۱۳۸۷ (مصوبه هفتصد و شصت پنجمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی) در تبیین اهداف و خط مشی های وزارت آموزش و پرورش ایران در مبادلات منطقه ای و بین المللی، برقراری ارتباط با نظام های آموزشی دنیا در چارچوب اصول پذیرفته شده را مورد توجه قرار داده است.

۵) ایجاد پیوند میان گروه های مختلف اجتماعی

از مهمترین وظایف نظام آموزشی در راستای همبستگی ملی، تعمیق پیوند میان گروه های مختلف است که در یک سرزمین واحد زندگی می کنند. تلاش برای ارایه الگویی واحد از فرهنگ و هویت یک سرزمین با در نظر گرفتن ظرافت های تنوع فرهنگی، خودداری از طرح مسائل تفرقه افکنانه در میان گروه های مختلف از جمله عواملی است که نظام های آموزشی توجه خاص به آن دارند. (مقصودی، ۱۳۹۱: ۲۱)

حال با توجه به مبانی و اهداف تربیت در نظام آموزشی ایران، اصول ناظر به برنامه های درسی و تربیتی در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می دهیم.

اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی مرتبط با تنوع فرهنگی

۱) دین محوری

تمامی اجزا و عناصر برنامه های درسی و تربیتی باید مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش های اسلام ناب محمدی (ص) باشد. این اصل بر سایر اصول نیز حاکم می باشد.



۲) تقویت هویت ملی

برنامه های درسی و تربیتی باید زمینه تقویت و پایداری هویت ملی را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش های انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و همبستگی اسلامی فراهم آورد.

۳) جامعیت

برنامه های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت های تعلیم و تربیت تأکید کند.

۴) توجه به تفاوت ها

برنامه های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی های مشترک، به تفاوت های ناشی از محیط زندگی شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی، جنسیتی و فردی دانش آموزان (استعدادها، توانایی ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.

۵) تعادل

برنامه های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به ساحت های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره گیری از روش های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی از برنامه ها پایبند باشد.

۶) یکپارچگی و فراگیری

برنامه های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش آموزان (دانش آموزان عادی، دانش آموزان با نیازهای ویژه و استعداد های درخشان) به صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه ها باید با رعایت انعطاف پذیری، با نیازهای هریک از گروه های دانش آموزان با نیازها و استعداد های



خاص انطباق و سازگاری داده شود. (سند برنامه درسی ج.ا.ا: ۹-۱۰)

یکی از اهداف مهم اجتماعی نظام آموزشی ایران تربیت شهروندی می باشد حال به بررسی این مفهوم در برنامه آموزشی ایران میپردازیم.

مفهوم شهروندی و برنامه های آموزشی ایران

امیل دورکیم اهم توانایی های شهروندی را چنین رده بندی می کند:

۱- توانایی در برخورد منطقی و سنجیده در جهت حل و فصل رضای بخش معضلات و دشواری ها

۲- توانایی در کار کردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسئولیت های اجتماعی خویش

۳- توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت های فرهنگی

۴- توانایی تفکر انتقادی در سامان بخشی و سازندگی

۵- توانایی حل تعارضات خود با دیگران با روشهای مسالمت آمیز

۶- توانایی درک حقوق بشر و دفاع از آن، چه در جامعه خویش و چه در جامعه بین المللی

۷- توانایی درک و شناسایی هنجارهای فرهنگی خود در جهت ساختن و توسعه فرهنگ بومی و قومی

۸- توانایی در نظم پذیری جمعی و بهره گیری از نگرش علمی از باورهای فرهنگی جامعه خود و جوامع دیگر. (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۸)

با توجه به وظیفه آموزش و پرورش رسمی، که همگانی کردن مفهوم شهروندی در حوزه فعالیتهای بنیادین او قرار دارد، پیشنهاد می شود: آموزش و پرورش از طریق کتاب های درسی، شهروندی را فرهنگ سازی کند تا حقوق شهروندی بیش از پیش در جامعه ایجاد و استوار شود.

برنامه درسی تربیت شهروند تا حد الامکان براساس راهنمای ذیل تنظیم شود:

- هدف: روش

- ایجاد آگاهی از حقوق مدنی: تبیین قانون اساسی
- ایجاد آگاهی اقوام از حقوق یکدیگر: تبیین قانون مدنی
- ایجاد آگاهی برای نگه داری فرهنگ ملی و قومی: تبیین ارزشهای فرهنگی ملی اقوام

- محترم شمردن اقوام: آشنایی با قومیت های جامعه و تبیین تاریخ آنها
- تقویت و شکل دهی یادگیری: تنظیم مفاهیم درسی براساس فرهنگ قومی و ملی:
- ایجاد توان آزادی بیان و عقیده: تبیین دموکراسی و حقوق انسانی
- ایجاد توان عضویت در گروههای اجتماعی: تبیین محیط، کشف واقعیت ها و بیان اتباطات

- ایجاد آگاهی از فرهنگ ملل: تبیین فرهنگ ها

(آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۹)

گفتمان های شهروندی در کتابهای درسی ایران

بر مبنای ارزشهای شهروندی و بین فرهنگی منعکس شده در قانون اساسی که با رویکردهای جدید مبتنی بر «حکمرانی خوب» نیز سازگاری دارد، نظام آموزشی ایران خصوصا آموزش دبستانی، باید در مسیر فرهنگ سازی ارزشهای حکمرانی سالم شهروندی خوب قدم بردارد و بعضی از متغیرهای مهم در این مسیر به قرار ذیل می باشند:

- رفتار خوب (پرهیز از برخورد خشن و خصمانه در برابر اعتقادات دیگران)
- احترام به حقوق دیگران در داشتن عقاید مختلف در حوزه دین و باورها
- داشتن برخورد مساوی با همه صرف نظر از نژاد و رنگ پوست
- احترام به قانون
- تلاش برای ایجاد عضویت در جامعه ملی
- خود را به جای دیگران گذاشتن

تمامی موارد ذکر شده در یک جامعه چند فرهنگی می تواند زمینه های بروز



تش و اختلافات بین فرهنگی را کاهش و تا مقداری از میان برد. شهروندی خوب می تواند میزان پذیرش و تحمل تفاوت های فرهنگی را افزایش داده و جامعه ای مبتنی بر صلح، پذیرش متقابل و قانون مند فراهم کند.

پنج گفتمان غالب در آموزه های مرتبط با ارتباطات بین فرهنگی در کتابهای دوره دبستان نظام آموزشی ایران دیده می شود که ظرفیت سازنده ای در همزیستی همه اعضای جامعه ایرانی فراهم می کند که این پنج گفتمان عبارتند از:

گفتمان مهرورزی با دیگران

گفتمان تبادل موقعیت (خود را به جای دیگران گذاشتن)

گفتمان توسعه همکاری و مشارکت اجتماعی

گفتمان احترام به حقوق دیگران (اقلیهای دینی و قومی)

گفتمان جهانی یک پیکره ای بودن (بنی آدم اعضای یکدیگرند)

(عسگریان، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

توسعه آموزش و انسجام ملی در ایران

یکی از مهمترین ابعاد توسعه فرهنگی ، توسعه آموزشی است. اساساً فرهنگ از طریق آموزش شکل می گیرد و گسترش و انتقال می یابد. دولت ها نیز در فرایند توسعه فرهنگی ، توسعه آموزشی را به شدت مد نظر قرار می دهد. میزان رشد کمی و کیفی سطوح مختلف آموزشی ، یکی از شاخص های ارزیابی میزان توسعه فرهنگی می باشد. از این نظر ، در بحث تأثیر توسعه فرهنگی بر همبستگی ملی ، توسعه آموزشی را مورد توجه قرار می دهیم.

در خصوص تأثیر مثبت توسعه آموزشی بر همگرایی و همبستگی ملی ، ارنست گلنر دیدگاه های مشخصی دارد وی معتقد است که شرط عضویت در جامعه نوین شهری برخورداری از حقوق ناشی از آن ، داشتن سواد و تخصص است. این امر از طریق آموزش ممکن می گردد. برخلاف گذشته که قدرت دفاعی و اقتصادی ،

تعیین کننده واحد سیاسی بود، امروزه تعلیم و تربیت است که میزان و حدود واحد سیاسی را تعیین می کند. آموزش و پرورش افرادی را تربیت می کند که می توانند مشاغل خاصی را عهده دار شوند.

جان . دبلیو فرانسین در کتاب «زمانی که فرهنگ ها باهم برخورد می کنند» از تاثیر آموزش بر همبستگی ملی سخن می گوید . وی نیز معتقد است که مناقشات قومی ریشه در جهالت دارد . لذا برای مبارزه با جهالت ، سلاح آموزش را به عنوان ابزاری مؤثر جهت ایجاد نزدیکی فرهنگ ها معرفی می کند. به عقیده او فقدان آگاهی نسبت به روش زندگی اقوام ، غالباً باعث ایجاد نگرش منفی نسبت به آنان می شود . این آگاهی است که نزدیکی فرهنگ ها در ضمن حفظ هویت قومی را ممکن می گرداند (عاملی و محمد خانی، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۲)

سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش

یکی از اسناد مهم نظام آموزشی در ایران سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش است که در ۸ فصل شامل کلیات ، بیانیه ارزشها ، بیانیه ماموریت ، چشم انداز هدفهای کلان ، راهبردهای کلان ، هدفهای عملیاتی و راهکارها و در نهایت چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش در جلسات متعدد شورای عالی انقلاب فرهنگی در طی سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به تصویب نهایی رسید. این سند براساس الزامات و با توجه به اهداف راهبردی ایران و چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت سند چشم انداز توسعه ۱۴۰۴ به منظور دستیابی به جایگاه اول اقتصادی ، علمی و فناوری در سطح منطقه و تدوین الگویی اسلامی - ایرانی همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین الملل تدوین شده است. براساس این سند راهکارهایی در خصوص هویت و همبستگی ملی مد نظر قرار گرفته است:

- ایجاد سازوکار لازم تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی و احیای هویت اسلامی - ایرانی در دانش آموزان و معلمان با تاکید بر آموزش و اجرای سرود ملی و به اهتزاز در آوردن پرچم ایران در تمام مدارس .



- اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه های آموزشی به معرفی حرفه ها ، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم ، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استانها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی دانش آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی.

- ایجاد سازوکارهای لازم برای تقویت آداب و سبک زندگی اسلامی - ایرانی در تمام ساخت های تعلیم و تربیت به عنوان رویکرد حاکم در فرایند طراحی، تدوین و اجرای برنامه های درسی و آموزشی. (همان: ۲۶)

برنامه های آموزشی برای دستیابی اهداف

برنامه های آموزشی برای دستیابی به اهداف هویتی عبارتند از :

- ۱- ارایه تصویری واحد از ملت با تاکید بر نقش دین ، زبان ، تاریخ ، فرهنگ ، و مرزهای سرزمینی مشخص
- ۲- بسط و گسترش عناصر هویتی در میان شهروندان جامعه به منظور تقویت تعلق و همبستگی ملی
- ۳- الزام و ضرورت تعریف و چارچوبی مشخص از ارکان مختلف اجتماعی در جهت تسهیل تجانس فرهنگی و ایجاد وفاق اجتماعی
- ۴- بهره گیری از نظام آموزشی کارآمد و مستقل ، مبتنی بر رویکردهای علمی و فرهنگی (مقصودی، ۱۳۹۱: ۲۳)

دو محور مهم بیانیه ارزشی در رابطه با تنوع و مدارا عبارت است از:

- بر عدالت تربیتی در ابعاد کمی (همگانی و الزامی) و کیفی (رعایت تفاوت های فردی ، جنسیتی، قومی ، فرهنگی و جغرافیایی) مبتنی است .
- بر صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی تاکید می شود و بر رعایت تنوع های قومی ، فرهنگی و منطقه ای (هویت اختصاصی) با محوریت هویت مشترک اسلامی - ایرانی اهتمام می ورزد. (همان: ۲۴)

بررسی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران براساس رویکرد آموزش چند فرهنگی

براساس تحلیل بخش های سند نتایج ذیل در خصوص رویکرد آموزش چند فرهنگی سند می توان بیان نمود:

یکی از نخستین بخشهای سند برنامه درسی ملی ، « مبانی فلسفی و علمی » است . این بخش خود دارای هفت زیر مجموعه شامل ؛ مبانی هستی شناختی ، معرفت شناختی ، ارزش شناختی ، دین شناختی ، جامعه شناختی و روان شناختی می باشد که از منظر مولفه های آموزش چند فرهنگی مورد تحلیل قرار گرفته اند. جدول ۱ میزان انطباق هریک از مبانی را با مولفه های آموزش چند فرهنگی نشان می دهد.

مبانی	مضمون	مطابقت با مولفه آموزش چند فرهنگی
هستی شناختی	در جهان هستی در عین وحدت ، کثرت وجود دارد (وحدت در کثرت و کثرت در وحدت)	پذیرش تنوع و تکثر
انسان شناختی	انسان در نظام آفرینش از کرامت الهی و یکسان برخوردار است	ارزش و کرامت ذاتی انسان
	همه انسانها از حقوق ذاتی برابر برخوردارند	حقوق ذاتی انسانها فارغ از عوامل عرضی
	انسانها دارای خصوصیات متفاوت جنسیتی ، فردی، قومی و فرهنگی می باشند	پذیرش تفاوتها: جنسیتی ، فردی ، قومی و فرهنگی
معرفت شناختی	—	—
ارزش شناختی	حفظ عزت نفس و کرامت انسانی	ارزش و کرامت ذات انسانی
	احترام به حقوق انسانها	احترام به حقوق انسانها
	احترام به ادیان الهی و تقویت روابط انسانی	احترام به ادیان مختلف الهی و پیروان آنها



رعایت اصل گفتگو و استفاده از روشهای مسالمت آمیز در حل مسائل	گسترش فرهنگ گفت و گو	
رعایت اصل تنوع و تکرار در روشهای تدریس	اسلام بر تنوع در روشهای یاددهی - یادگیری تاکید دارد	
توجه به تنوع و تکرار در روش و محیط یادگیری	اسلام بر تنوع در روشهای یاددهی - یادگیری تاکید دارد	مبانی دین شناختی
توجه به انعطاف در برنامه های درسی بر اساس خرده فرهنگ ها	برنامه درسی در برخورد با فرهنگ ملی و خرده فرهنگ ها باید نقش فعال، وحدت گرا و تعالی بخش ایفا کند	مبانی جامعه شناختی
رعایت تفاوت های فردی	متریان اگر چه از نظر فطری با یکدیگر تشابه دارند ولی دارای نیازهای اساسی مشترکی اند، اما تحت تأثیر جنسیت، وراثت، محیط و عوامل ماوراء الطبیعه از یکدیگر متفاوت می شوند	مبانی روان شناختی

جدول ۱. نتایج تحلیل بخش "مبانی فلسفی و علمی" از منظر توجه به مولفه های آموزش چند فرهنگی در بخش مربوط به «اصول حاکم بر برنامه های درسی و تربیتی» سند برنامه درسی ملی، به مولفه های مختلف آموزش چند فرهنگی، تاکید شده است که از جمله آنها است: تقویت هویت بومی و ملی، رعایت اصل تفاوت های فردی، محیطی و جنسیتی، پذیرش وحدت در کثرت، حل مسالمت آمیز تعارضات، آشنایی با فرهنگ های مختلف در ابعاد بومی، محلی و ملی، آشنایی با فرهنگ های موجود در ایران و تعامل آن با فرهنگ ملی و بین المللی. شایان ذکر است «تقویت هویت بومی و ملی» یکی از مولفه های مورد تاکید آموزش چند فرهنگی است. (نیاز آذری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳۰)



مهم ترین مسائل و تهدیدات سیاستگذاری آموزشی و تنوع ایران

مهم ترین مسائل و تهدیدات سیاستگذاری آموزشی ایران بدین شرح است:

الف (مسائل

۱. ضرورت توجه متوازن به ابعاد مشترک و اختصاصی هویت متریان (با تاکید بر هویت مشترک)

در وضع موجود برای کلیه متریان، برنامه درسی یکسان و برخوردار از امکانات یکنواخت به اجرا درمی آید و رویکرد تربیت عمومی، در نگاهی ساده انگارانه، به رویکرد تربیت یک شکل و قالبی اطلاق می شود، بدون آنکه با رعایت اصل عدالت تربیتی به تفاوت های ناشی از توانایی ها و علایق فردی، قومی، فرهنگی، جنسیتی توجه لازم به عمل آید یا برای متریان دارای نیازهای یادگیری ویژه و دارای استعداد های ویژه، متریان ساکن مناطق محروم و کم برخوردار و فاقد سرپرست یا دارای سرپرست ناصالح، در جریان تربیت تمهیدات مناسب فراهم شود.

۲. حفظ و تحکیم وحدت ملی و توجه به تنوع اقوام، خرده فرهنگها و اقلیت ها

ایجاد انسجام اجتماعی و تحکیم وحدت ملی از کارکردهای اصلی نظام های آموزشی در جهان است. در اصول حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی نیز بر تقویت این کارکرد، همواره با توجه به تنوع و کثرت، تاکید شده است اما در ایران افزون بر پیروان ادیان الهی و مذاهب مختلف دین اسلام، اقوام متعددی زندگی می کنند که دارای خرده فرهنگ ها و گویش های زبانی متفاوت با زبان رسمی و فرهنگ عمومی کشور هستند. با توجه به نابرابری های اجتماعی، اقتصادی و آموزشی حاکم بر مناطق مرزی و حساسیت سیاسی - جغرافیایی آنها، که عمدتاً محل استقرار صاحبان چنین تنوع قومی است و سهولت تاثیرپذیری آنها از فرهنگ های دیگر که به القاءات دولتهای سلطه گر آلوده اند، توجه متوازن به این تنوع و کثرت، ضمن حفظ یکپارچگی ملی، از جمله چالشهای پیش روی نظام تربیت رسمی و عمومی است.



۳. ضرورت بسط عدالت همه جانبه تربیتی و نهادینه ساختن آن در برابر توسعه ی کمی بدون رعایت معیارهای کیفی

عدالت تربیتی ناظر به قابلیت دسترسی آن به طور عادلانه و برای همگان است. یعنی باید امکانات و فرصتهای تربیتی در حد نصاب ضروری و مطلوب برای همگان برابر باشد و تبعیض های قومی، نژادی، جنسی، مذهبی و طبقاتی در زمینه حق بر تربیت برطرف شود. (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۰۳)

ب) تهدیدات سیاستگذاری آموزشی ایران (۱) تک فرهنگی شدن و تضعیف فرهنگهای بومی

هویت ملی که منتج از مفهوم هویت می باشد آن ویژگی است که ملت ها را قابل شناسایی می کند. هویت ملی، ابزاری برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر با تکیه بر آگاهی مشترک حول مفهوم یا مفاهیم تعریف شده جمعی است و تا زمانی که آگاهی مشترکی برای تفکیک خود از دیگری بوجود نیاید، هویت ملی، امکان شکل گیری ندارد. در ارتباط با مقوله جهانی شدن مسئله نگران کننده، رشد تک فرهنگی (monoculture) است، فرهنگی که از سوی رسانه ای جهانی غرب و شبکه های روابط عمومی آنها تبلیغ می شود، فرهنگی که به مردم دیکته می کند که چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی و چگونه فکر کنند. (یونسکو، ۱۳۷۸: ۱۰۰)

۲) تهدید روندهای مربوط به تربیت دینی در ایران

در جوامع اسلامی باورهای دینی و نظام ارزشی اسلام بخش مهمی از هویت مسلمانان را شکل می دهد. این هویت خواه ناخواه در درون مرزهای اعتقادی و دین تعریف می گردد. با پذیرش این نکته نوعی تعارض با هویت مطرح در فرایند جهانی شدن و زدودن مرزهای اعتقادی و مذهبی جوامع داریم. این امر ناشی از نقش زیربنایی فرهنگ نسبت به دیگر ساختارهای اجتماعی است و از سوی دیگر بخش مهمی از فرهنگ متشکل از نظام ارزشی، هنجارها و باورهای دینی جامعه است. (نیاز آذری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸۲)

۳) تاثیر بر زبان و آموزش آن

نفوذ و گسترش زبان انگلیسی که از طریق تلویزیون های ماهواره ای و اینترنت در جای خود می تواند مهم ترین تهدید علیه زبانهای ملی و محلی قلمداد شود. لذا این مهم می تواند تمهیدهای عمده ای را برای زبان های دیگر از جمله زبان فارسی ایجاد نماید به طوری که به مرور کارایی خود را از دست داده و روبه زوال نهد.

۴) آموزش ها و کلاسهای چند فرهنگی

این شیوه اطلاع رسانی فرهنگ خاصی (جهانی و غربی) را ترویج می کند و مخاطبان (مصرف کنندگان) اندک اندک بیش از آنکه جود را متعلق به قوم، فرهنگ و کشور خاصی بدانند، خود را انسانی با تابعیت جهانی و بین الملل خواهند نامید. در همین راستا مهاجرت به کشورهای مختلف زیاد شده و این پدیده هرچند باعث شناخت بیشتر سایر فرهنگ ها و آشنایی بیشتر آنها می شود ولی چالشی را به عنوان آموزش، مدارس و کلاسهای چند فرهنگی ایجاد می نماید که خود این مطلب می تواند مشکلاتی چند برای آموزش و پرورش ایجاد نماید. (براند، ۱۳۷۹: ۱۷۷)

بنابراین با توجه به فرصت ها و تهدید های جهانی شدن سیاست آموزشی ایران با رویکرد استفاده از فرصت های ان و پرهیز و یا کاهش تهدید های جهانی شدن برای حفظ هویت ملی و حفظ ارزشهای اسلامی - ایرانی میباشد. به نحویکه با احترام به حقوق و ارزشهای تنوع فرهنگی در جهت انسجام ملی تلاش می نماید که این همان در راستای سیاست های عمومی تنوع ایران است یعنی سیاست "وحدت در کثرت".



نتیجه گیری

با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی و ساختار تنوع فرهنگی ایران، در سیاست گذاری آموزشی نیز تحولات بنیادینی صورت پذیرفت که از مؤلفه های اصلی سیاست گذاری آموزشی می توان به تقویت هویت دینی و اسلامی با رویکرد انسجام ملی و همچنین حفظ تنوع فرهنگی و محلی اشاره نمود. به طوری که دین مداری و عدالت محوری و تاکید بر انسجام ملی ضمن پذیرش کثرت و تنوع از شاخص های بارز آن می باشد. بنابراین جامع اندیشی نسبت به همبستگی و پیوستگی ابعاد مختلف اسلام و اصول تربیتی آن، پرهیز از یکسو نگری و ارایه راهکارهای مناسب برای حل معضلات اجتماعی و نیز پرهیز از افراط، تفریط می بایست در دستور کار نظام آموزشی و تربیت دینی قرار گیرد. و توجه همزمان به اسلام به عنوان جنبه مشترک همه اقوام کشور در جهت ایجاد انسجام ملی و درعین رعیات مسایل فرهنگی و مذهبی اقوام از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا از مهمترین وظایف نظام آموزشی در راستای همبستگی ملی، تعمیق پیوند میان گروههای مختلف است که در یک سرزمین واحد زندگی می کنند. تلاش برای ارایه الگویی واحد از فرهنگ و هویت یک سرزمین با در نظر گرفتن ظرافت های تنوع فرهنگی، خودداری از طرح مسائل تفرقه افکنانه در میان گروههای مختلف از جمله عواملی است که نظام های آموزشی توجه خاص به آن دارند. بنابراین سیاست گذاری آموزشی با رویکرد گفتمان انقلاب اسلامی نقش مهمی در جامعه پذیری نسل ها و حفظ ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی دارد به طوری که اصول ناظر بر سیاست ها و برنامه های آموزشی مندرج در قانون اساسی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و سند بنیادین تحول نظام آموزش و پرورش کشور مؤید آن می باشند.



فهرست منابع

- ۱- آقازاده ، احمد. " اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن". فصلنامه نوآوریهای آموزشی. شماره ۱۷. سال پنجم. پاییز ۸۵. صص ۴۹.
- ۲- الماسی، علی محمد. (۱۳۷۰). تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. تهران: دانش آموز.
- ۳- اوطمیشی. (۱۳۸۵). نقد نظام آموزشی ایران از منظر جامعه شناسی آموزش و پرورش.
- ۴- براندا ، واتسن. (۱۳۷۹). « تدریس موثر تربیت دینی ». ترجمه بهرام محسن پور. مجموعه مقالات تربیت اسلامی. شماره ۳. قم: مرکز تربیت اسلامی. ص ۱۷۷.
- ۵- جهانیان، رمضان. «بررسی و تحلیل سیاست های توسعه ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ش ۱۹. تابستان ۱۳۹۱. صص ۱۰۹-۱۲۸.
- ۶- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۲). «بازتاب هویت اقوام ایرانی در کتاب های درسی دوره های ابتدایی و راهنمایی».
- ۷- صادقی ، علیرضا. " بررسی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران براساس رویکرد آموزش چند فرهنگی ". فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران. سال پنجم. شماره ۱۸. پاییز ۱۳۸۹. صص ۲۰۴-۲۰۳.
- ۸- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۹). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. چاپ دوم. تهران: کمیل.
- ۹- عاملی، سعیدرضا و محمد خانی، نجمه. (۱۳۸۰). ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه ای ایرانی.
- ۱۰- عسگریان، مصطفی. «جایگاه فرهنگهای قومی در تربیت شهروند». فصلنامه نوآوری های آموزشی. شماره ۱۷. سال پنجم. پاییز ۱۳۸۵. ص ۱۶۱.
- ۱۱- کرم زادی ، مسلم. "تبیین سیاست گذاری آموزشی در زمینه تربیت مدنی با نگاهی به نظام آموزشی پس از انقلاب ". صص ۱۲۰-۱۱۹.



- ۱۲- مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۱). هویت و همبستگی ملی در نظام آموزشی ایران. تهران: تمدن ایرانی.
- ۱۳- نیازآذری، کیومرث. (۱۳۹۰). سیاست گذاری و فرایند خط مشی عمومی در نظام آموزشی. قائم شهر. مهرالنبی.
- ۱۴- وزارت آموزش و پرورش. سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۵- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج.ا.ا.
- ۱۶- یونسکو. (۱۳۷۸). آموزش و پرورش برای قرن ۲۱. گروه مترجمان. ملبورن: تک نگاشت.

